خبر

افشای ارتباط شارمند با اعضای اف‌بی‌آی و موساد

در دادگاه رسیدگی به پرونده جمشید شارمند، سرکرده گروهک تروریست تندر که به ریاست قاضی صلواتی برگزار شد، نماینده دادستان اسناد مربوط به ارتباط متهم با اعضای اف‌بی‌آی و موساد را افشا کرد. ابتدای جلسه، دادگاه قاضی صلواتی از نماینده دادستان خواست در جایگاه قرار گیرد و به قرائت کیفرخواست بپردازد. بهروز حسنی‌اعتماد، نماینده دادستان با اشاره به اتهامات شارمند به افساد فی‌الارض از طریق طراحی و هدایت اقدامات تروریستی از جمله بمبگذاری در حسینیه شیراز، تلاش برای بمبگذاری در سد سیمون شیراز در تاریخ ۲۵ آبان ۱۳۸۵ و برنامه‌ریزی برای ترور مسوول پروژه سد، همچنین انفجار در کفشداری حرم حضرت امام(ره) در تاریخ ۳۰ آبان ۱۳۸۸ و آتش‌سوزی در هتل جهان تهران هنگام ساخت و تهیه بمب برای انفجار در حوزه علمیه آیت‌ا... العظمی گلپایگانی خاطرنشان کرد: این گروهک تروریستی با بهره‌گیری از رسانه‌های دیداری، شنیداری و مجازی، مطالب توهین‌آمیزی علیه دین مبین اسلام منتشر کرده است. پس از انتخاب شارمند در سال ۸۵ به عنوان سرکرده گروه از رویکرد نرم به رویکرد سخت و تروریستی تغییر مسیر می‌دهد و به اقدامات تروریستی در اماکن مذهبی، اقتصادی و حساس می‌پردازد. نماینده دادستان ادامه داد: متهم به طراحی، برنامه‌ریزی و اعمال تروریستی انفجار حسینیه رهپویان وصال شیراز، کفشداری حضرت امام خمینی(ره)، سد سیمون، هتل جهان و ساخت و تهیه بمب برای انفجار در حوزه علمیه آیت‌ا... العظمی گلپایگانی اعتراف کرده است. حسنی‌اعتماد اضافه کرد: متهم اعتراف کرده است قصد عملیات‌های تروریستی دیگری نیز داشته که ناکام بوده است. انجام عملیات تروریستی در چهارشنبه‌سوری و انفجار در یکی از بانک‌ها از جمله اعمال تروریستی‌ای بوده است که وی در آن ناکام مانده است. وی در ادامه گفت: این متهم همچنین قصد انفجار بمب در مقابل وزارت خارجه ایران یا سفارت چین را داشته است که با دستگیری وی این اقدام تروریستی خنثی می‌شود. نماینده دادستان با بیان این‌که متهم شارمند بعد از انجام عملیات‌های خود با افسران آمریکایی ارتباط برقرار کرده است، گفت: وی سال ۲۰۰۳ میلادی، مصادف با ۱۳۸۱ شمسی از کشور آلمان به آمریکا مهاجرت کرده در آنجا ساکن شده است. حسنی‌اعتماد ادامه داد: پس از انفجار در حسینیه رهپویان شیراز، مقامات آمریکایی با متهم ارتباط برقرار کردند که آنها در این دیدار برخی نکات امنیتی را به متهم تذکر دادند. وی با اشاره به سایر دیدارهای متهم با آمریکایی‌ها گفت: در اقاریر متهم آمده است وی با دو سناتور محلی ملاقات داشته و درباره اهداف و اقدامات گروه تندر با آنها صحبت کرده است. نماینده دادستان افزود: به گفته متهم، سه نفر از اعضای اف‌بی‌آی با وی تماس گرفتند و با او گفت‌وگوهایی داشتند. همچنین متهم شارمند در اظهارات خود گفته است اگرچه افراد سیاسی به او کمک مالی نکردند، اما با اعزام تیم آی‌تی تمامی سیستم‌های رایانه‌ای او را ارتقا دادند. وی ادامه داد: در اقاریر متهم شارمند آمده است با یک تیم سیاسی از اف‌بی‌آی در ارتباط بوده و در خصوص اهداف گروه خود در ایران با آنها صحبت می‌کرده و سال ۲۰۱۵ درباره جلب تیم‌های جاسوسی در ایران با این افراد صحبت داشته است. نماینده دادستان با بیان این که متهم با اعضای سی‌آی‌ای نیز در ارتباط بوده است، گفت: تمامی آی‌دی‌ها و پسوردهای گروه در اختیار افسران اف‌بی‌آی قرار داشته. همچنین متهم مکاتباتی را با وزیر خارجه و رئیس‌جمهور آمریکا نیز داشته است. حسنی‌اعتماد با بیان این که متهم شارمند نقشه فتح تهران و راه کوروش را برای ترامپ، جان بولتن و هوک ارسال کرده است، گفت: هوک در یکی از سخنرانی‌ها از گروهک تندریاد کرده است. وی ادامه داد: بعد از انفجار حسینیه شیراز، برخی رسانه‌های مکتوب آمریکا و همچنین شبکه فاکس و سی‌ان‌ان با متهم مصاحبه داشتند. حسنی‌اعتماد ادامه داد: دولت آمریکا ویزای تاسیس شرکت تجاری، ویزای مخصوص قربانیان سیاسی و پناهنده به آمریکا، حق معاملات، حق کسب و کار، خدمات بیمه و بازنشستگی و خدمات امنیتی را به شارمند اهدا کرده بود. نماینده دادستان بیان کرد: متهم از طریق یکی از عوامل خود با دو نفر از اعضای موساد آشنا شده و تلاش داشته حمایت آنها را جلب کند. در همین خصوص با شخصی به نام یعقوب آشنا شده و تلاش داشته است طرح راه کوروش خود را به رئیس دولت رژیم صهیونیستی ارسال کند. در ادامه جلسه، دو نفر از نمایندگان خانواده شهدا نیز شکایت خود را بیان کردند.

در پایان این جلسه رسیدگی قاضی صلواتی اعلام کرد: زمان و مکان جلسه بعدی متعاقبا اعلام خواهد شد.

ابتکار قابل ملاحظه‌ای از طرف آمریکا در مذاکرات ندیدیم

وزیر خارجه کشورمان گفت: ما در روند فعلی مذاکرات ابتکار جدی و قابل ملاحظه‌ای را از طرف آمریکایی ندیدیم. حسین امیرعبداللهیان در گفت‌وگویی درباره آخرین خبرها از مذاکرات رفع تحریم‌ها در وین عنوان کرد: آنچه برای ما مهم است عمل طرف مقابل است و نگاه می‌کنیم ببینیم روی زمین چه اتفاقی می‌افتد، باید رفتار عملی آمریکایی‌ها را در رفع تحریم‌ها به صورت عینی و ملموس ببینیم. وی درباره ادعای رابرت مالی، نماینده ویژه آمریکا در امور ایران مبنی بر این‌که واشنگتن برای احیای برجام شروطی را برای تهران تعیین کرده، تصریح کرد: ما هیچ پیش‌شرطی را از طرف آمریکایی دریافت نکردیم و اساسا این مذاکرات روندی دارد که موضوع پیش‌شرط در آن مطرح نیست. وزیر خارجه درباره انتشار اخباری مبنی بر این‌که جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا چند معافیت تحریمی را در رابطه با فعالیت‌های هسته‌ای غیرنظامی ایران امضا کرده، گفت: اقداماتی که روی کاغذ انجام می‌شود، اقدامات خوبی می‌تواند باشد اما آنچه برای ما مهم است، عمل طرف مقابل است.

عکس: ایسنا

بازگشت زودهنگام حسن روحانی به عرصه سیاسی چرا و چگونه رقم می‌خورد؟

خروج به امید فراموشی

گروه سیاسی

جنگ احزاب در سایه به کارگردانی حسن روحانی قطعا نام ژانر جدید او در بازنمایی سیاسی است؛ او خیلی زودتر از آنچه تصور می‌شد ساز جنگ رسانه‌ای و سیاسی را علیه دولت مستقر سید ابراهیم رئیسی، رقیب قدیمی خود کوک کرده و فرماندهی اتاق فکر احزاب مخالف دولت را به پرده‌نشینی ترجیح داده‌است. چسبندگی به امر سیاسی گرچه بلیه‌ای واگیردار بین سیاسیون است که سخت می‌توانند دوران پسامسؤولیت را بدون کنشگری سیاسی پشت سر بگذارند اما ظاهرا درباره روحانی اوضاع کمی فرق دارد و او حتی یک سال هم دوری از امر سیاسی را تحمل نکرده‌است.

حسن روحانی برای بازگشت به صحنه سیاسی از طریق بازسازی یا حتی نوسازی فضای اجتماعی، کاری سخت در پیش دارد. او نه قبل و نه بعد از ریاست جمهوری‌اش هیچ پایگاه اجتماعی منحصر به فرد چه در بین اصولگرایان سنتی و چه در بین اصلاح‌طلبان نداشته و همیشه در یک فضای عاریتی تنفس کرده‌است

در یکی از همین روزهای بهمن ماه حسن روحانی با یک طیف سیاسی نزدیک به خود که یک ضلعش ناطق‌نوری است و ضلع دومش سیدمحمد خاتمی و ضلع دیگرش اصولگرایان سنتی یعنی باهنر و لاریجانی، جلساتی داشته‌است.

البته به جز این افراد، روحانی ظاهرا آقای معاون اول خود را هم به این جلسات برده تا همچنان به آقای رئیس همفکری بدهد. بگذریم که هنوز دولت سیزدهم دارد تاوان تصمیم‌سازی‌های معاون‌اول در ماجرای جنجالی دلار جهانگیری را می‌دهد اما هرچه هست جمع منتقدین دولت جمع است و این روزها حسابی فعال شده‌اند.

این کنش‌های جدید سیاسی یک لایه دوم هم دارد و ظاهرا محسن هاشمی هم اخیرا با روحانی و لاریجانی دیدار کرده و به‌زودی مرعشی هم جلسه‌ای را با روحانی خواهد داشت تا این دولت درسایه تیم خود را کامل کند.

درست است که روحانی در این چندماه روزه سکوت گرفته بود اما سعی داشت خود را از تک و تا نیندازد و دیدار او با رهبر انقلاب که واکنش‌های مختلفی را به دنبال داشت، یکی از این اتفاقات است.

حالا سیدمحمود علیزاده‌طباطبایی عضو ارشد حزب کارگزاران در گفت‌وگو با جام‌جم درباره جزئیات فعال شدن روحانی و دیدار با برخی اصلاح‌طلبان و کارگزاران می‌گوید: در جریان اصلاح طلبان ملاقاتی بین آقایان انجام گرفته‌است اما مشخص نیست جلسات منظم باشد یا خیر. البته ایشان در سالگرد آقای هاشمی‌رفسنجانی دیداری با محسن هاشمی، رئیس شورای مرکزی حزب کارگزاران داشته‌است.

او بازگشت بزرگان سیاسی به تصمیمات سیاسی را هدف‌گذاری اصلی این دیدارها عنوان می‌کند و درباره احتمال شکل‌گیری جناح فراگیر هم می‌گوید: باید چنین اتفاقی بیفتد و بزرگان دو جناح در این فکر هستند حضور حداکثری مردم را باید فراهم کنیم. البته آقای روحانی اصلاح‌طلب نیست و اصلاح‌طلبان اگر فعالیتی داشته‌باشند، در راس آنها آقای خاتمی خواهدبود.

با مرور این تحرکات جدید درباره بازگشت و چشم‌انداز آینده سیاسی حسن روحانی چند نکته قابل احصاست:

چالش بی‌پایگاهی روحانی

۱- نکته اول این است که روحانی با چالشی به نام پایگاه اجتماعی دست و پنجه نرم می‌کند، این چالش در صحبت‌های علیزاده‌طباطبایی هم به چشم می‌خورد. مساله این است اگر هاشمی در یک بازه زمانی هشت‌ساله یعنی در زمان دو دولت احمدی‌نژاد تغییر کرد و طوری با اصلاح‌طلبان به اشتراک منافع رسید و در نهایت پایگاه اجتماعی اصلاح‌طلبان را با خود همراه کرد، روحانی حتما از امتیاز این مرحله محروم است. چرا؟ چون حسن روحانی برای بازگشت به صحنه سیاسی از طریق بازسازی یا حتی نوسازی فضای اجتماعی، کاری سخت در پیش دارد.

او نه قبل و نه بعد از ریاست‌جمهوری‌اش هیچ پایگاه اجتماعی منحصر به فرد چه در بین اصولگرایان سنتی و چه در بین اصلاح‌طلبان نداشته و همیشه در یک فضای عاریتی تنفس کرده‌است.

اوج این اتفاق هم که از آن به نام نامزد استیجاری نام می‌برند، سال ۹۲ بود که او در بستر اجتماعی متعلق به اصلاح‌طلبان بالا آمد و دیده شد، آنها هنوز هم روحانی را اصلاح‌طلب نمی‌دانند. چون اساسا پایگاه رای او متعلق به گفتمان روحانی نبود.

احزاب نزدیک به روحانی مثل اعتدال و توسعه هم که ابدا نقش خاصی در پیروزی روحانی نداشتند که بخواهند کنش اجتماعی- سیاسی خاصی درباره او ایفا کنند؛ پس روحانی رئیس‌جمهور شدن خود را مدیون هاشمی بود که به گفته خودش رای ۳درصدی روحانی را به ۵۰ درصد رساند. بنابراین با چنین پیشینه‌ای اولین مشکل روحانی برای بازگشت احتمالی، بازسازی اجتماعی است.

۲- نکته دوم، تکرار بدل احمدی‌نژاد است؛ روحانی مانند سلف خود دست پیش گرفته‌است. او که می‌داند به واسطه کارنامه منفی‌اش به ویژه در چهار سال دوم، تحت نقدهای سنگینی قرار خواهدگرفت، خیلی زود از ژانر سکوت به ژانر هجمه علیه دولت مستقر تغییر ریل داده‌است؛ یعنی او به‌جای این‌که پاسخگوی عملکرد گذشته خود باشد، در جایگاه اپوزیسیون دولتی قرار گرفته که در یک فقره فقط باید بار بدهی تیم روحانی آن هم با رقم سنگین ۵۳۰ هزار میلیاردی را به دوش بکشد؛ یعنی تا سال ۱۴۰۵ بازپرداخت حدود ۵۳۴هزار میلیارد تومان اصل و سود اوراق فروخته شده بر عهده این دولت است. بنابراین به نظر می‌رسد روحانی دقیقا در حال اجرای همان تکنیک احمدی‌نژاد است که هم تحمل نقدشدن در دولت بعد از خود را نداشت و هم سریعا خودش را در مقام سؤال کننده قرار داد تا کمتر در معرض انتقاد قرار بگیرد.

۳- نکته سوم، کارنامه منفی حسن روحانی است؛ او هنگام تحویل دولت وضعیت نابهنجارتری نسبت به روسای‌جمهور قبل از خود داشت؛ یعنی حقیقتا هیچ دولتی به دولت بعدی تحویل داده نشد مگر این که شرایط قابل قبولی داشت اما آقای روحانی دولت را با شرایط بسیار بدی تحویل دولت سیزدهم داد. مردم هیچ عرصه‌ای را نمی‌دیدند که جای امیدواری وجود داشته‌باشد و او همه چیز را به صورت زمین سوخته تحویل داد که به دلیل همین اتفاق اگر تا آخر عمر هم سکوت می‌کرد، کم بود. روحانی از جهت سیاست خارجی، برجام، تشدید تحریم‌ها، رشد نقدینگی بسیار شدید، مساله بیکاری، تعطیل‌شدن تولید در کشور، به هم ریخته‌شدن اقتصاد و پریشانی معیشت مردم و از هر جهت که تصور کنیم، بدترین عملکرد را داشته اما با این اوصاف می‌خواهد اپوزیسیون دولت جدید باشد.

ناصر ایمانی، تحلیلگر مسائل سیاسی در گفت‌وگو با جام جم:

هیچ آینده‌ای برای ادامه حیات سیاسی روحانی وجود ندارد

فتاح غلامی

سیاسی

خبر دیدار حسن روحانی، رئیس‌جمهور پیشین با برخی مقامات اصلاح‌طلب گمانه‌زنی‌هایی را در فضاهای سیاسی دامن زد. برخی معتقدند او زودتر از موعد قصد دارد فعالیت سیاسی خود را آغاز کند و این دیدارها مقدمه فعالیت‌های سیاسی آتی است. ناصر ایمانی، تحلیلگر مسائل سیاسی در گفت‌وگو با جام جم تاکید کرد این تحرکات را نمی‌توان چندان تاثیرگذار دانست، از این نظر که عملکرد ناموفق دولت‌های یازدهم و دوازدهم باعث شده او از این پس هیچ موضوعیتی برای آینده سیاسی مردم و گروه‌های سیاسی نداشته باشد.

دیدارهای سیاسی آقای روحانی با برخی مقامات سیاسی اصلاح‌طلب آیا به معنای تحرک جدید و تلاش رئیس‌جمهور پیشین برای حضور مجدد در سپهر سیاسی کشور است؟

من تصور نمی‌کنم این حرکت‌ها برای حضور در صحنه‌های سیاسی باشد، چون در حال حاضر توجیهی برای حضور سیاسی آقای روحانی وجود ندارد. از نظر من، عمده دلیل این حرکات نوعی فرار به جلو از مسوولیت‌های سیاسی گذشته ایشان و دیگر مقامات سابق اصلاح‌طلب است. به این معنا، برای این‌که از سوی مردم و همچنین فعالان سیاسی درباره عملکرد گذشته‌شان مورد اتهام قرار نگیرند، تلاش می‌کنند خودشان را در صحنه سیاسی فعال نشان دهند که در واقع مورد آن سؤال قرار نگیرند. در حقیقت این رفتار بیشتر یک کار روانی است تا یک فعالیت سیاسی. برای این‌که آنها نه در شرایطی فعلی و نه در آینده هیچ وجهه‌ای برای فعالیت سیاسی ندارند.

یک مسوول سابق سیاسی که الان در انزوای سیاسی است طبیعتا حرف و حدیث‌هایی درباره او مطرح می‌شود و علی‌القاعده وقتی او پاسخی به سؤالات نمی‌دهد روند طرح سؤال هم مشمول مرور زمان خواهد شد و بعد از مدتی کمتر اهالی سیاست یا اهل رسانه پیگیر قضیه می‌شوند. این مساله در مورد آقایان خاتمی و ناطق‌نوری بیشتر صدق می‌کند. گرچه آقای روحانی به دلیل قرابت زمانی بیش از دو فرد دیگر مورد سؤال واقع می‌شود. اما وقتی این اشخاص خود را عامدانه در معرض این اخبار قرار می‌دهند طبیعی است دوباره ذهن‌ها برای طرح سؤال تحریک می‌شود. آیا به نظر شما انتشار خبرهایی درباره این دیدارهای سیاسی باعث نمی‌شود موجی از سؤال و انتقاد علیه این اشخاص راه بیفتد؟

من به عکس آن مطلبی که شما بیان کردید، معتقدم. آقای روحانی زمانی که از مسوولیت کنار رفت چند ماهی در انزوای سیاسی بود. آیا هجمه‌ها به عملکرد ایشان کم بود؟ خیر. به همین دلیل ایشان از روش دیگری استفاده کرد. این‌که طلبکارانه به میدان بیاید و ادعا بکند که می‌خواهد فعالیت سیاسی کند و گویی هیچ اتفاقی هم در گذشته نیفتاده و عملکرد دولت ایشان هم بسیار به نفع ملت ایران بوده است.

به نظر من ایشان و همفکران‌شان این‌گونه می‌خواهند به لحاظ روانی روی موضوع مسلط شوند و نه این‌که در انزوا باشند. اتفاقا حضور بیشتر در انزوا ممکن است مخالفان و منتقدان را تحریک کند تا بر حجم حملات و انتقادات خود بیفزایند اما وقتی فرد مورد اتهام با ژستی طلبکارانه وارد عرصه می‌شود و خود را فعال نشان می‌دهد، محتمل است باعث عقب‌نشینی منتقدان شود و حتی ممکن است این تحلیل را داشته باشند که در صورت افزایش حجم اتهامات، مقامات گذشته فعالانه در عرصه سیاست حضور پیدا کنند و باعث به هم زدن بازی شوند یا این‌که ناگفته‌هایی را بگویند.

از منظر دیگر، شاید این حرکت قابل تحلیل باشد. از این نظر که دولت سیزدهم با وعده‌ها و شعارهایی برسرکار آمد و اگر مراجعه‌ای به افکار عمومی شود ممکن است این ارزیابی صورت گیرد که شاید دولت جدید هنوز موفق به تحقق و اجرایی کردن برخی از آن شعارها و وعده‌ها نشده باشد. این احتمال وجود دارد آقای روحانی و اطرافیانش با توجه به این مسائل الان فرصت را مناسب ببینند که در شرایط کنونی از عملکرد دولت گذشته دفاع کرده و به زعم خودشان ضعف‌های دولت فعلی را هم فهرست کنند. تحلیل شما چیست؟

به نظر من باید دو روش بعد از کنار رفتن مسوولیت پیشه کرد. روش اول، پذیرفتن انزوا و سکوت است. روش دوم، حضور مجدد و فعالانه در عرصه سیاست است. وقتی فرد به صورت فعال در صحنه سیاسی حاضر می‌شود امکانات زیادی برای او حاصل می‌شود و البته بستگی هم دارد که می‌خواهد از کدام امکانات استفاده کند. یک رویکرد این است که مسوول پیشین برای این‌که عملکرد گذشته خود را وجیه نشان دهد و نگذارد مخالفان و منتقدان به او حمله کنند این است که رویه انتقاد از دولت موجود را در پیش بگیرد. به عبارت دیگر او به‌جای این‌که پاسخگوی عملکرد گذشته باشد، خود را در جایگاه پرسشگر قرار می‌دهد. طبعا در چنین شرایطی کسانی که در مقام سؤال قرار دارند کمتر در معرض انتقاد قرار می‌گیرند اما کسی که به سؤالات پاسخ می‌دهد عمدتا در معرض انواع و اقسام اتهامات و انتقادات قرار می‌گیرد. اگر دقت کنید همین روش را آقای احمدی‌نژاد پیشه کرد. او پس از کناره‌گیری از قدرت، تا مدتی از فعالیت‌های سیاسی دور بود و کمتر در معرض اخبار و رسانه‌ها قرار می‌گرفت اما بعدها ورود جدی‌تری به عرصه سیاست داشت و حتی خود را به عنوان پرسشگر دولت آقای روحانی مطرح و انتقادات تندی را علیه دولت ایشان ارائه کرد. در شرایط حاضر هم البته انتقادات ایشان متوجه دولت‌ها نیست، بلکه سمت و سوی آن متوجه نظام و حاکمیت است. این همان روشی است که آقای روحانی دارد از آن استفاده می‌کند.

آیا فعالیت‌ها و تحرکات جدیدی که از سوی چهره‌های اصلاح‌طلب شاهد هستیم به منزله شروع مجدد برای آمادگی نیروها و هواداران‌شان برای کارزارهای سیاسی آینده است؟ به عبارت دیگر آیا می‌توان احتمال داد با توجه به ناکامی‌های اصلاح‌طلبان در انتخابات گذشته، چهره‌های شاخص آنها در تدارک گردآوری مجدد آنها برای رقابت‌های سیاسی هستند؟

همه این احتمالات درست است. اساسا و به‌طورکلی معتقدم جریان اصلاحات هیچ‌گاه تمایل ندارد از قدرت کناره‌گیری کند و همواره دوست دارد به قدرت برگردد. البته ممکن است این ذهنیت پیش بیاید که بالاخره هر جریان سیاسی تمایل دارد در قدرت باشد و این حرف جدیدی نیست. پاسخ این است که اصلاح‌طلبان از سال ۷۶ به این‌سو، چهره اپوزیسیون نظام به خود گرفته‌اند. به این معناکه اگرچه این گروه گاهی در قدرت هستند اما زمانی هم که قدرت را در دست دارند در مقابل حاکمیت قرار می‌گیرند. شاید برخی این شبهه را داشته باشند که اصلاح‌طلبان به دلیل این‌که منتقد قدرت هستند نمی‌خواهند به قدرت برگردند و به عبارتی اپوزیسیون نظام هستند. درحالی‌که این‌طور نیست. اصلاح‌طلبان می‌خواهند هر دو برگ را بازی کنند. هم می‌خواهند در قدرت باشند و هم بر قدرت باشند. می‌خواهند در قدرت باشند چون اگر نباشند ممکن است حیات سیاسی آنها به خطر بیفتد، بنابراین تلاش می‌کنند همواره در قدرت باقی بمانند و حتی وقتی هم بنا به شرایط در قدرت نیستند سعی می‌کنند با ژست منتقد نظام به قدرت بازگردند. بازگشت به قدرت البته محاسنی هم برای آنها دارد. یکی نفس در دست گرفتن قدرت و دیگری تجمیع نیروهای سیاسی و اجتماعی‌شان و جلوگیری از ریزش افکار عمومی است.

از سوی دیگر، بازگشت مجدد آنها به قدرت این قابلیت را فراهم می‌کند که عملکرد گذشته خود را تطهیر کنند. همین الان درباره بسیاری از مسائل مهم کشور از مذاکرات هسته‌ای بگیرید تا مسائل اقتصادی، کسانی که باید نسبت به عملکردشان در ۳۰ سال گذشته پاسخگو باشند جریان اصلاح‌طلب هستند اما الان در افکار عمومی نقش منتقد را بازی می‌کنند. این گروه همواره در عرصه سیاست ایران این نقش را ایفا می‌کند.

باتوجه به عملکرد دولت‌های یازدهم و دوازدهم شاید تلقی این بود که آقای روحانی زمان بیشتری را در انزوای خبری باقی بماند اما با توجه به تحرکات اخیر به نظر می‌رسد ایشان زودتر از حد انتظار برای حضور در سپهر سیاسی ایران فعالیت خود را آغاز کرده است. چرا؟

برداشت من این بود که ایشان بعد از کناره‌گیری از قدرت، فعالیت سیاسی خود را زود آغاز خواهد کرد. شاید یکی از دلایل آن، انتقادات زیادی بود که نسبت به او صورت گرفت و آقای روحانی بهترین روش دفاع را در حمله دید؛ بنابراین گمان می‌کنم اگر آن حمله‌ها و هجمه‌ها نبود شاید ایشان یک سالی در سکوت خبری می‌ماند و پس از آن فعالیت خود را آغاز می‌کرد. البته به اعتقاد من، آقای روحانی هیچ‌گاه در آینده حتی یک چهره نیمه موفق سیاسی هم نخواهد بود و هیچ‌کس و هیچ جریانی از این پس روی ایشان سرمایه‌گذاری نخواهد کرد و هیچ موضوعیتی برای مردم و آینده سیاسی نخواهد داشت.

اصلاح‌طلبان می‌خواهند هر دو برگ را بازی کنند. هم می‌خواهند در قدرت باشند و هم بر قدرت باشند. می‌خواهند در قدرت باشند چون اگر نباشند ممکن است حیات سیاسی آنها به خطر بیفتد بنابراین تلاش می‌کنند همواره در قدرت باقی بمانند